



همبستگی آمریکای لاتین در برابر تهدیدات ایالات متحده آمریکا

تابلو

مجموعه مقالات

همبستگی آمریکای لاتین در برابر تهدیدات ایالات متحده آمریکا

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: www.Tabyincer.ir

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

همبستگی کشورهای آمریکای لاتین علیه ایالات متحده آمریکا ریشه در دوران امپریالیستی دارد، منطقه آمریکای لاتین یکی از مناطقی است که به خصوص در دهه های اخیر (پس از پایان جنگ سرد)، شاهد روند جدیدی از منطقه گرایی بوده است و کشورهای این منطقه به عنوان اعضای مجموعه امنیتی تلاش های بسیاری در جهت همکاری ها و اتحاد و ائتلاف های منطقه ای در حوزه های مختلف به خصوص در حوزه اقتصادی (ایجاد پیمان منطقه ای مرکوسور) انجام داده اند. پیشینه تاریخی، اهمیت ژئوپولیتیک و مجاورت جغرافیایی این منطقه با ایالات متحده را شاید بتوان از زمینه هایی دانست که کشورهای این منطقه را به خصوص در سال های اخیر و با توجه به تهدیدات دونالد ترامپ به سمت و سوی منطقه - گرای و یکی شدن سوق داده است. (۱)

آمریکای لاتین همواره در سیاست خارجی آمریکا جایگاه ویژه ای داشته است به طوری که حتی طبق دکترین مونروئه - که در اصل بیانیه ای برای انزوای ایالات متحده بود - قاره ی آمریکا جزء منافع این کشور تلقی گردید. (۲) ریشه دخالت و نفوذ ایالات متحده در آمریکای لاتین به دهه ۱۸۲۳ برمی گردد. در زمان سرنگونی حکومت آئنده در شیلی در سال ۱۹۷۲ شورای امنیت ملی دولت نیکسون اظهار داشت که اگر آمریکا نتواند آمریکای لاتین را کنترل کند، چطور انتظار دارد که به نظم موفقیت آمیزی در جای دیگری از جهان برسد؟ در همین راستا، آمریکا، سیاست های مختلفی را در اکثر کشورهای آمریکای لاتین در دو دهه گذشته به اجرا گذاشته است که می توان به افزایش نظامی گری، کمک به افزایش جنگ ها و آشوبهای داخلی، افزایش قاچاق مواد مخدر، توسعه سیاستهای نئولیبرالیستی و... اشاره نمود. ایالات متحده آمریکا، در دوران قبل از جنگ سرد، بر اساس سیاست های کلان برنامه ریزی شده خود و بر اساس آموزه های رئیس جمهور خود در ۱۸۲۳، جیمز مونروئه، حرکت در جهت استیلا و سلطه بر آمریکای لاتین را در دستور کار قرار داد این استراتژی آمریکا در قالب طرح ها و برنامه های بسیاری رخ می نمود که جنبه های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع لاتین را

تحت تاثیر خود قرار می داد. آمریکا تا قبل از پایان جنگ سرد و به علت فضای رقابتی فیما بین دو بلوک شرق و غرب و با هدف کنترل بیش از پیش بر مناطق تحت سلطه خود در آمریکای لاتین بویژه در جهت ممانعت از قرار گرفتن کشورهای منطقه در حوزه نفوذ شوروی سابق، اقدامات مخوف امنیتی و اطلاعاتی را در اکثر کشورهای منطقه به اجرا گذاشت و این برنامه ها با همکاری و هماهنگی دولت های نظامی سرکوبگر در کشورهای آمریکای لاتین تحقق یافت. (۳)

با شکل گیری جنبش های استقلال طلبانه و نیز شکست مدل نئولیبرالیستی اقتصاد، این کشورها باز به سوی اندیشه های چپ-گرایانه رفتند. باید توجه داشت که نظامهای چپ گرای کنونی در آمریکای لاتین با جنبش های چپ انقلابی متداول در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی ماهیتاً تفاوت دارند. می توان گفت سیاست های منطقه ای ایالات متحده عامل محرک لاتینی ها در گرایش به چپ گرایی است. با این اوصاف و تجربه دخالت ایالات متحده در آمریکای لاتین، ایجاد منطقه گرایی و همبستگی بین کشورهای آمریکای لاتین چه تأثیری بر جایگاهی که ایالات متحده برای خود تعریف کرده است دارد؟

تهدید نظامی آمریکا علیه ونزوئلا

اگر به تاریخچه حاکمیت در ونزوئلا بنگریم، این کشور با توجه به استعمار شدن آن توسط اسپانیا و استقلال آن در سال ۱۸۳۰، بی ثباتی سیاسی، درگیری های سیاسی و حاکمیت دیکتاتوری مشخصه اصلی تاریخ ونزوئلا در سالهای زیادی از قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم بوده است. از سال ۱۹۵۸، ونزوئلا به طور مداوم از حاکمیت دموکراتیک غیرنظامی برخوردار بوده است. رئیس جمهور در ونزوئلا از طریق رأی گیری توسط مردم

انتخاب می‌شود و همین عامل زمینه دخالت و نفوذ آمریکا را به مراتب کم می‌کند. اما این کشور درگیر مسائل و بحران‌های مالی و اقتصادی است که زمینه نفوذ آمریکا را در این کشور فراهم می‌کند. به ویژه این که بعد از مرگ چاوز بحران‌ها افزایش یافت، چرا که به قدرت رسیدن نیکلاس مادورو با اعتراضات بسیاری مواجه شد که این خود عامل دخالت بیشتر آمریکا در ونزوئلا شد. علاوه بر این بحران‌های مالی و مقروض بودن ونزوئلا به چین و آمریکا سبب آشفتگی بسیار در ونزوئلا شده است. در نتیجه مردم و معترضان خواهان رسیدگی به مشکلات توسط مادورو هستند. اما مخالفان خواهان فراخوان همه‌پرسی علیه مادورو هستند در استراتژی آنان برای برکناری مادورو سه بخش وجود دارد: اعتراضات عمومی، اصلاح قانون اساسی و فراخوان برای همه‌پرسی. (۴)

با این شرایط فشار آمریکا برای سرنگونی دولت مادورو و دخالت در امور داخلی ونزوئلا افزایش یافت. در واقع، ریشه اصلی مشکلات ونزوئلا را باید مانند دیگر کشورهای آمریکای جنوبی در سابقه تاریخی دخالت نیروهای خارجی ببینیم. در اواخر دهه ۹۰ میلادی و در ادامه مبارزات چاوز، قدرت در اختیار نیروهای انقلابی قرار گرفت و این مساله سرمنشأ تهاجمات بعدی آمریکا به این کشور شد. زیرا ایالات متحده نمی‌توانست به راحتی قبول کند که ونزوئلا به عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر نفتی از سلطه‌اش خارج شده است. به همین دلیل از آن زمان این کشور شاهد انواع تلاش‌های عوامل خارجی برای ایجاد بی‌ثباتی و سرنگون کردن انقلاب بولیواری از سوی آمریکا است. (۵)

با این اوصاف، هدف آمریکا از تهدید نظامی ونزوئلا، در مرحله اول سرنگونی دولت مادورو و بعد دست‌یابی به منابع نفتی و دیگر منابع طبیعی ونزوئلا است. مادورو وزیر فشارهای بین‌المللی درباره نحوه کنترل بحران اقتصادی و سیاسی در ونزوئلا قرار دارد. تحریم‌های اخیر به ویژه در حوزه نفت سبب بیشتر شدن تنش‌ها شده است. در واقع یکی از سیاست‌های آمریکا برای سرنگونی دولت مادورو، افزایش تحریم‌های اقتصادی

و نفتی و نزوئلاست که سبب گسترش تنش‌ها و اعتراضات علیه مادور می‌شود. ترامپ ادعا می‌کند که مردم و نزوئلا در فقر و رنج به سر می‌برند که ناشی از وجود دولت ناکارآمد است، در حالی که می‌توان گفت ریشه این معضلات ناشی از استعمارگری آمریکا و دخالت در امور کشور و نزوئلاست. تهدید ترامپ به اقدام نظامی علیه و نزوئلا، تلاشی برای دامن زدن به بحران سیاسی در این کشور آمریکای لاتین به شمار می‌رود.

سیاست آمریکا برای براندازی دولت مادورو دارای دو بعد داخلی و خارجی است. در بعد داخلی این سیاست مبتنی بر حمایت از اقدامات آشکار و نهان اپوزیسیون برای سرنگونی دولت چپ‌گرای و نزوئلا است. در این چارچوب آمریکا از مواضع و اقدامات مخالفان در و نزوئلا به ویژه تلاش برای برگزاری همه‌پرسی عزل مادورو پشتیبانی کرده‌اند. در بعد خارجی نیز واکنشگن کماکان تحریم‌های خود علیه و نزوئلا را با هدف تضعیف دولت و نزوئلا و افزایش ناراضایتی مردم این کشور ادامه می‌دهد. (۶).

حمایت کشورهای آمریکای لاتین از و نزوئلا در برابر تهدیدات ایالات متحده

تهدید نظامی و نزوئلا از سوی ترامپ با مخالفت بسیاری از کشورهای جهان به ویژه آمریکای لاتین روبه‌رو شد. همگرایی کشورهای آمریکای لاتین در برابر ایالات متحده آمریکا به زمان استقلال این کشورها برمی‌گردد. این همگرایی سبب استقلال در تصمیم‌گیری و ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای در دو بعد سیاسی و اقتصادی شد. از مهم‌ترین نتایج این همگرایی عدم قبول پیمان منطقه آزاد تجاری آمریکا از سوی کشورهای بزرگ و مهم منطقه و طرح جایگزین‌های منطقه‌ای نظیر طرح آلبامی باشد. طرح آلباز سوی هوگو چاوز برای مقابله با طرح‌های آمریکا ایجاد شد. با این پیشینه، کشورهای منطقه،

ونزوئلا را رهبر انقلاب بولیواری می دانند که اکنون اسیر فشار و تحریم های آمریکا است. با حمله به ونزوئلا نه تنها اهداف استقلال طلبانه و انقلابی تضعیف می شود، در نتیجه همگرایی کشورهای در ابعاد سیاسی و اقتصادی نیز به خطر می افتد، چرا که هدف همه این کشورها از ایجاد این همگرایی مقابله با اهداف امپریالیستی آمریکا است، در نتیجه به خطر افتادن یک حلقه از این اتحاد، موجب به خطر افتادن سایر حلقه های اتحاد می شود، بنابراین کشورهای آمریکای لاتین وظیفه خود را می دانند تا از این اتحاد در برابر آمریکا حمایت کنند. کشورهایمانند پرو، مکزیک و کلمبیا اگرچه مخالف «مادورو» هستند، اما به دلیل اتحادی که با دیگر کشورهای آمریکای لاتین برای مقابله با اهداف امپریالیستی آمریکا دارند، مخالف تهدید نظامی ترامپ علیه ونزوئلا هستند. ائتلاف منطقه ای مرکوسور نیز با وجود این که عضویت ونزوئلا را به حالت تعلیق در آورده، حمله نظامی آمریکا علیه ونزوئلا را رد کرد و با آن به مخالفت پرداخت.

با این حال کشورهای منطقه آمریکای لاتین که اکثراً دوران استعمار را تجربه کرده و در دهه های اخیر با تجربه جنبش های ضد استعماری و عدالت خواهانه در راستای استقلال و برقراری عدالت و آزادی گام برداشته اند اکنون دیگر پذیرای سیاست های مداخله جویانه و اشنگتن در منطقه نیستند. کشورهای آمریکای لاتین معتقد به حل بحران ونزوئلا از طریق «مذاکره» و «دیپلماسی» هستند و مخالف استفاده از جنگ و زور برای حل بحران هستند. چرا که حمله نظامی آمریکا را نوعی دخالت در امور داخلی کشورها می دانند که با این اقدام زمینه برای دخالت بیشتر آمریکا در دیگر کشورهای آمریکای لاتین می شود. از طرف دیگر، ثبات و امنیت در این منطقه متزلزل است و این تهدید از سوی ترامپ می تواند این ثبات نسبی را برهم بزند. تاریخ استعمار منطقه آمریکای لاتین توسط قدرتهای اروپایی و آمریکا تاثیری بسیار بد بر اذهان مردم و رهبران سیاسی و نظامی این کشورها داشته است. استعمار جدید ایالات متحده آمریکا و دخالت ها و فعالیت های جاسوسی این کشور در کشورهای منطقه آمریکای لاتین بر شدت بدبینی

رهبران این کشورها افزوده است. در طی جنگ سرد ایالات متحده آمریکا آشکارا در این منطقه فعالیت جاسوسی و نظامی داشت. بعد از اتمام جنگ سرد ما شاهد دخالت های مکرر این کشور در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین و حتی سرنگونی حکومت های مخالف آمریکا بوده ایم. بنابراین رهبران کشورهای ونزوئلا، بولیوی، اکوادور و... خواهان کاهش رابطه با ایالات متحده آمریکا و در عوض افزایش رابطه امنیتی و اقتصادی با روسیه، چین و ایران هستند. (۷)

تضعیف جایگاه بین المللی ایالات متحده آمریکا و کاهش نقش آن در تحولات جهان

همبستگی کشورهای آمریکای لاتین در برابر استعمارگری آمریکا و نیز حمایت آن ها از ونزوئلا در برابر تهدیدات آمریکا نشان از پایان دوره استعمار و جنگ است. بعد از جنگ سرد و تغییر در ساختار نظام بین الملل، الگوی رفتاری بسیاری از کشورها دگرگون شد، رفتار سیاست خارجی آمریکا بر طبق هژمون گرایی، دیپلماسی عمومی تهاجمی و گسترش نظامی گری شکل گرفت. تحت تأثیر این الگوها شاهد دخالت آمریکا در بسیاری از کشورها و نهایتاً حمله نظامی آمریکا به ویتنام، افغانستان و عراق هستیم. یکجانبه گرایی آمریکا موجب واکنش های سیاسی و استراتژیک سایر کشورها شد. این یکجانبه گرایی موجب شد تا آمریکا بدون توجه به نهادهای بین المللی چون سازمان ملل، فرآیندهای دموکراتیک و قوانین رازیر یا بگذارد و در امور داخلی کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم دخالت کند. این عملکرد سیاست خارجی آمریکا سبب شده تا این کشور از سوی بسیاری از کشورهای جهان به عنوان یک کشور غاصب و استعمارگر شناخته شود. به طوری که بسیاری از کشورها در جهت مبارزه با ایالات متحده آمریکا با یکدیگر هم پیمان شده اند

و به جای ارتباط با این کشور، کشورهای دیگری چون، روسیه، چین، اتحادیه اروپا و... را برای ارتباطات تجاری و اقتصادی برگزیدند. کشورهای آمريکاي لاتين نیز با توجه به استعمارگری آمريکا و نیز دخالت در امور داخليشان در برابر استعمارگری آمريکا پيمان‌ها و اتحاديه‌های متعددی را ایجاد کرده‌اند، مثل: اتحاديه آلبا (که متشکل از کشورهای ونزوئلا و کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه و اکوادور) با هدف مقابله با طرح آمريکايی و نئولیبرال ایجاد شده و یا می‌توان به اتحاديه اونسور اشاره کرد، اونسور اتحاديه ای است میان کشورهای آمريکاي جنوبی که با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش رفاه، حذف فقر، مشارکت مدنی و تقویت دموکراسی ایجاد شده است. (۸)

ايالات متحده از راه‌های بسیار سعی کرده اتحاد کشورهای آمريکاي لاتين را از بين ببرد اما تاکنون راهی از پيش نبرده است. بعد از کوبا اکنون نوبت به ونزوئلاست تا به آمريکا ثابت شود که اعمال فشار، تحریم و تهديد باعث شکست اين کشورها نمی‌شود. هر چه که آمريکا اين کشورها را بیشتر مورد تحریم و تهديد قرار دهد، همبستگی اين کشورها بیشتر می‌شود، در نتیجه ضربه شدیدی بر وجهه و پرستیژ مخدوش شده آمريکا وارد می‌شود. اين مسأله با روی کار آمدن ترامپ آشکارتر شده است. سياست‌های امپرياليستی ترامپ در بسياری از کشورهای جهان به ویژه در آمريکاي لاتين با موضع تند ديگر کشورها ن جهان مواجه شده است.

نتايج نظرسنجی جديد موسسه «پيو» نشان می‌دهد وجهه آمريکا بعد از روی کار آمدن «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور اين کشور به شدت در سراسر جهان افت کرده و بسياری از مردم در کشورهای ديگر اعتمادی به توانایی وی برای رهبری آمريکا ندارند. به گزارش رويترز نتايج نظرسنجی انجام شده در ۳۷ کشور دنيا نشان می‌دهد که ميزان محبوبيت آمريکا در ساير کشورهای دنيا از ۶۴ درصد در پايان رياست جمهوری باراک اوباما به ۴۹ درصد در دوران ترامپ تنزل پيدا کرده است. (۹) بنابراین عدم اعتماد به

اهداف امنیتی و الگوهای آمریکایی سبب شده تا دیگر کشورها در برابر مداخله گرای، هژمونیک-گرای، یکجانبه گرایی آمریکای دست به اتحاد با یکدیگر بزنند و این عمل سبب می شود تا جایگاه بین المللی آمریکا به عنوان یک ابرقدرت تضعیف شود و کشورها به راحتی بتوانند با دیگر کشورها رابطه برقرار سازند. به این ترتیب هریک از الگوهای جدید سیاست خارجی آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد با نشانه هایی از ادبیات انتقادی روبه رو شده است که نشان از تضعیف وجهه ی بین المللی آمریکا است. حمله نظامی آمریکا به ویتنام، افغانستان و عراق نشان از اشتباهات آمریکا در اهداف و الگوهای رفتاری آن است. با توجه به شکست استراتژی های آمریکا در جهان و ظهور قدرت های متعدد در جهان، مثل روسیه، چین، اتحادیه اروپا و... دیگر نمی توان به آمریکا به عنوان ابرقدرت در جهان نگاه کرد. به عنوان مثال، می توان به تضعیف جایگاه آمریکا در تحولات خاورمیانه و نقش روسیه در این منطقه اشاره کرد.

در عین حال مداخلات صورت گرفته توسط آمریکا در منطقه (که از دکترین یکجانبه گرا و قلدرمانه بوش ناشی می شد) در قالب جنگ در عراق و افغانستان، رسوایی در گوانتانامو، ابوغریب و چشم پوشی از موارد نقض حقوق بشر از طرف دولت اسرائیل و حمایت از دولت های استبدادی در جهان عرب، وجه قدرت نرم آمریکا را تضعیف نمود. این امر موجب از دست رفتن مشروعیت آمریکا نزد افکار عمومی کشورهای منطقه و بعضاً جهان گردید و از طرفی هزینه های بسیار سنگین تهاجم نظامی برای آمریکا و متحدین آن نسبت به نتایج حاصله توجه آنان را به استفاده از قدرت نرم برای پیشبرد اهداف خود در منطقه خاورمیانه جلب نمود. (۱۰)

کشورهای جهان دیگر برای آمریکا و ارتش این کشور احترام کمتری قائلند، چرا تجربه شکست آمریکا در ویتنام، افغانستان و عراق، مبارزه با تروریسم، رهگیری هواپیماهای جاسوسی توسط ایران و چین و... نشان از تضعیف این کشور در سطح بین

المللی است از طرف دیگر نیز کشورها با جدیت بیشتر به دنبال ملی خود در سطح بین المللی هستند.

سلطه آمریکا در مناطقی مانند غرب اقیانوس آرام و دریای جنوبی چین به پایان رسیده است. در اروپا، روسیه گسترش ناتو به سوی کشورهای شرقی اروپا را به چالش کشیده است. در خاورمیانه نیز روسیه از نظر نفوذ سیاسی و قدرت میانجی گری برای حل و فصل درگیری های منطقه ای، با آمریکا برابری می کند. علی رغم وجود بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی آمریکایی در سراسر جهان، اکنون آمریکا دیگر نمی تواند به گونه ای که بیشتر عمل می کرد، در جهان خودکامگی خود را ادامه دهد. تمام این قدرت ها که آمریکا تلاش بسیاری کرده است بر امور مربوط به آن ها نظارت کند، با هدفی مشترک - پایان دادن به سلطه آمریکا و ایجاد جهانی چند قطبی و نه تک قطبی به سوی یکدیگر در حرکت اند.

(۱۱)

نتیجه گیری

کشورهای آمریکای لائین با درک این موضوع که برای رسیدن به موقعیتی اثرگذار در صحنه جهانی، رهایی از سلطه آمریکا بر منابع غنی خود و حقارت های ناشی از هیمنه آمریکا بر کشورهای خود در طول دو قرن گذشته، نیازمند به تثبیت موقعیت خود بعنوان یک قدرت منطقه ای می باشند، از این رو، بدنبال مجموعه سازی می باشند که نقش اصلی و بازیگران تاثیر گذار آن را، کشورهایی نظیر ونزوئلا، چاوز، برزیل، لولا داسیلوا، بولیوی مورالس، آقا و خانم کریشنر در آرژانتین، دانیل اورتگا در نیکاراگوئه و رافائل کورره آدراکوادر تشکیل می دهند. تمایل رهبران نسل جدید به ویژه رهبران چپ گرای آمریکای لائین برای خارج شدن از سلطه ایالات متحده و افزایش قدرت چانه

زنی در مقابل فشارهای واشنگتن، نقش بارزی در روند همگرایی موجود در آمریکای لاتین ایفا نموده است به همین دلیل، در دو دهه اخیر، کشورهای مهم و پیشرو منطقه آمریکای جنوبی، با ایجاد اتحادیه های مختلف، بدنبال سازو کارهایی برای رسیدن به این جایگاه می باشند. (۱۲).

همبستگی کشورهای آمریکای لاتین عواقبی را برای نقش جهانی ایالات متحده آمریکا به دنبال دارد که عبارتند از:

- تضعیف نفوذ و دخالت آمریکا در آمریکای لاتین و به دنبال آن در دیگر کشورهای جهان؛

- بی اعتبار شدن جایگاه قدرت آمریکا نزد جهانیان؛

- کاهش ارتباطات اقتصادی، تجاری و سیاسی کشورهای آمریکای لاتین با ایالات متحده آمریکا و گسترش ارتباطات با کشورهایی چون روسیه، چین، ایران و...؛

- کاهش نفوذ آمریکا در مجامع بین المللی مثل سازمان ملل؛

- تضعیف سیاستهای نئولیبرالیستی و هژمونیک آمریکا در جهان؛

- کاهش نقش آمریکا در اقتصاد جهانی و جایگزین شدن کشورهایی چون چین، ژاپن، اتحادیه اروپا و... در اقتصاد جهانی؛

- کاهش نقش آمریکا در حل بحران های جهانی؛

- کاهش نقش «قدرت سخت» آمریکا در نظام بین الملل و...

با این شرایط، آمریکا به ویژه رئیس جمهور آن (ترامپ) متوجه می شود که دیگر دوران یک تازی و اعمال زور به کشورها به پایان رسیده است. از طرف دیگر، محیط

سیاسی، اقتصادی و زیستی سیستم بین الملل بسیار پیچیده است و بازیگران جدید، تهدیدات جدید و اشکال جدید جنگ ستیزی، چالش های قابل توجهی برای کشور آمریکا مطرح می کنند.

منابع

- ۱- الهام رسولی ثانی آبادی، «تحلیل روند منطقه گرایی در آمریکای لاتین بر اساس نظریه های روابط بین الملل»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۶۲.
- ۲- «انزوادریخا خلوت»، اندیشکده راهبردی تبیین، ۹ دی ۱۳۹۱، قابل بازیابی در پیوند زیر:
<http://tabyincenter.ir/11957/>
- ۳- ملک تاج خسروی، احمد سندگل، «تأثیر چپ گرایی نوین در آمریکای لاتین بر مناسبات سیاسی امنیتی این کشورها با ایالات متحده آمریکا»، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۵.
- ۴- Julia Buxton, Interview, Venezuela after Chavez, New Left Review 99, May-June 2016
- ۵- «مشکلات اقتصادی ونزوئلا ناشی از فشارهای آمریکا برای سرنگونی دولت مادورو است»، خبرگزاری دانشجو، کد خبر: ۵۵۶۰۹۰، ۱۰ آبان ۱۳۹۵، قابل بازیابی در پیوند زیر:
<http://snn.ir/fa/news/556090/>
- ۶- مصطفی عبدلی، «حمله نظامی آمریکا به ونزوئلا؛ دورتر از همیشه»، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۳۹۶۰۱۶، ۲۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:
<http://www.iribnews.ir/fa/news/1760016/>

۷- «گسترش ناتوبه آمریکای لاتین/ همکاری با کلمبیا و مخالفت ونزوئلا»، پایگاه اطلاع رسانی هرمز، کد خبر: ۲۰۲۰۲، ۱۱ دی ۱۳۹۵، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://hormozonline.ir/?p=20202>

۸- ملک تاج خسروی، احمد سندگل، پیشین. ص ۹۷،

۹- «افت چشمگیر وجهه آمریکا در دنیا بعد از روی کار آمدن ترامپ»، خبرگزاری فارس، ۶ تیر ۱۳۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.farsnews.com/13960406000067>

۱۰- مهدی کاردوست، «تحلیلی بر تحولات جدید خاورمیانه و استراتژی آمریکا»، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۳ مرداد ۱۳۹۰، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://peace-ipsc.org/fa/>

۱۱- راشا تودی، «سلطه آمریکا بر جهان به پایان رسیده است/ ایران، روسیه و چین قدرت آمریکا را به چالش می-کشند»، باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۶۱۸۸۷۷۴، ۱۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل بازیابی در

پیوند زیر:

<http://www.yjc.ir/fa/news/6188774/>

۱۲- ملک تاج خسروی، احمد سندگل، پیشین. ص ۱۱۵،



سالهاست که آمریکا از طرق مختلف سعی کرده در منطقه آمریکای لاتین دخالت داشته باشد، بر همین اساس این کشورها برای جلوگیری از دخالت آمریکا در امور داخلی‌شان دست به اتحاد و همبستگی از طرق گوناگون زدند که در این نوشتار به این موضوع پرداخته شده است.

اندر شبکه‌های اجتماعی

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: